

۴ شریکین

بر گرفتی ای صنم تا از رخ گلگون نقاب
 از فروغ روی ماهی ^{شریکین} ~~محل~~ شد آفتاب
 ماه و خورشید فلک ای مظهر لطف خدا
^{بکنند از حیره تو} ~~بجای~~ روشنایی آفتاب
 تا افتاد ای ماه رو عکس رخت بر آب و خاک
 خاک شد مانند عنبر آب شد همچون گلاب
 عاشقان گشتند از شوق تویی تاب و توان
 تا پیریشان کرده ای آن طره پر پیچ و تاب
 باده گلرنگ داری ای بت زیبا ~~بست~~
 یا نگیں لعل از رشک لبانت گشته آب
 از ازل نام تو بر لوح ^{ضمیم} ~~خیم~~ ثبت شد
 کرده ام عشق تو را از بین خوبان انتخاب
 نیست کاری ای فضولی « بهتر از عشق بتان
 من چنین فهمیده ام و اله اعلم بالصواب

ترجمه از زاله ۱۹۴۷

خوب! خلی خوب!

استاد ابراهیم لاری نویسنده این